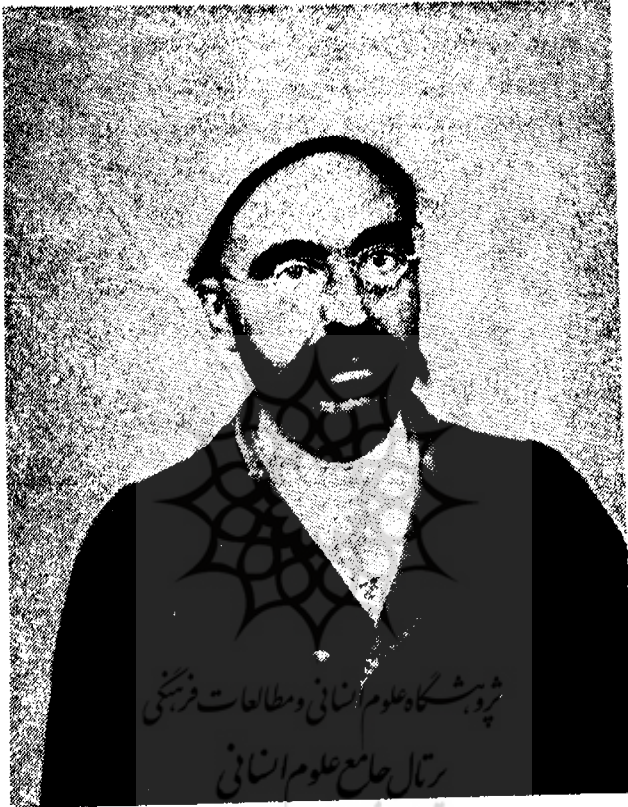


کرامت رعنا حسینی
شیراز

موزه‌ای از عکس و خط



میرزا حسن عکاس

در پشت بازار وکیل شیراز کوچه ایست بنام عکاس باشی ، چون خانه میرزا حسن عکاس در آن است .

این میرزا حسن عکاس باشی که طبیعی لطیف داشته ، و گاه گاهی شعری می سروده ، و تخلص کاتب می کرده (۱) ، و خط نسخ را به اسلوبی استادانه می نوشته ، به سبب جهان‌دیدگی و زبان‌دانی و گذرانیدن جوانیش در عصر نهضت مشروطیت چون هزاران کاسب با سواد به صف متجددان و آزادی خواهان پیوست ، و همین آرزوی بیداری ملت و شوق وطن خواهی بود که او را بر انگیخت تا دستوری در زبان فارسی بنویسد که دو سال بعد از مرگش بنام قانون سخن (۲) به چاپ رسید . اما هیچ یک از هنرهایش چون هنر عکاسیش گویای روح آزاد خواهی و علم دوستی و وطن پرستی او نبود . عکس‌هایی که او گرفته هنوز دست بدست می گردد ، زیرا جوهر آزادگی و مردم دوستی و وطن پرستی و عالم پروری در آنهاست ، و چه خوب

شوریده شیرازی در وصفش گفته :

این همه صورت بیست و خود نشد صورت پرست خامه اش صورت نگار و دیده اش معنی نگر (۳)
در خاتمه کتاب قانون سخن ص ۱۸۵ تا ۱۸۶ مختصری از احوال او آمده و آن
این است که :

و مولدش در قصبه کازرون و در سنه هزار و دو بیست و هفتاد و دو بوده ، تا سن پانزده سالگی در کازرون مشغول درس گردید ، بعد به بوشهر رفته ، چندی نزد پدر مشغول تجارت بوده ، چون والدش به کازرون رفت چندی دیگر مشغول به صنعت صحافی شده ، و بعد به بحرین رفته ، مدتی در پست خانه خدمت کرده و مدتی توقف نموده ، بعد از آن به هندوستان شتافته .

بیست سال در بندر بمبئی اقامت نموده ، اوایل ورودش مشغول کتابت شده ، و چندین کتب علمی به فارسی و عربی نوشته و چاپ نموده (۴) ، زیرا که خط نسخ را خوش می نگاشت ، بعد از مدتی مشغول تعلیم و تدریس افسران انگلیسی گشته ، و بر حسب خواهش مرحمت و غفران پناه آقای مصباح السلطنه کار گزار دولت علیه ایران در انجمن علمی فارسیان ایرانی مشغول تعلیم و تدریس گردیده ، در ضمن مشغول تجارت و معامله شده ، و علم صنعت عکاسی را به نحو اکمل آموخته تا در سنه هزار و سیصد و دوازده به بوشهر معاودت نموده .

بر حسب خواهش شاهزاده رفعت الدوله به کازرون آمده ، و عکسهای متعدد انداخته ، و مورد مرحمت حضرت والا شدند ، و دو سال در کازرون توقف نموده ، و اعیان کازرون کمال احترام نمودند . و برای تکمیل اسباب به بمبئی رفته و اسباب عکاسی ممتاز خرید کرده مراجعت به بوشهر نمودند . و به عزم زیارت اماکن متبرکه به عتبات عرش درجات مشرف گردیده ، حضرت مستطاب شیخ العراقین کمال احترام فرموده ، و ممانعت از حرکت نموده ، یک سال تمام در عتبات عالیات توقف نموده ، و عکسهای متعدد از اماکن متبرکه و علماء و اشراف و اعیان برداشته ، سنه هزار و سیصد و شانزده به بوشهر آمده ، دوسه ماه مانده برای شیراز حرکت نموده .

در سنه هزار و سیصد و هفده وارد شیراز گردیده ، و مدت بیست سال در شیراز مشغول به صنعت عکاسی بوده ، روز بیست و ششم ماه مبارک رمضان سنه هزار و سیصد و سی و شش این جهان فانی را وداع نموده... اوزبان عربی و هندی را بخوبی می دانسته و انگلیسی هم کمی دارا بوده... پدرش از سلسله نجبا و خواجگان (۵) کازرون است .

باری ، او در سال هزار و سیصد و بیست و چهار آن خانه را ساخت که چون بیشتر خانههای قدیمی شیراز دارای دو دستگاه ساختمان اصلی دو طبقه است ، یکی رو به آفتاب (شمالی) و دیگری پشت به آفتاب (جنوبی) ، با یک باریک سازی در سمت پشت به کوچه (غربی) که دالان ورودی و آشپزخانه در آن است ، و سمت روبروی آن (شرقی) دیوار طاق نماست . در طبقه اول ساختمان رو به آفتاب دو زیرزمین و در طبقه دومش دو اطاق سه دری

و پنج دری دارد که ایوانی سرپوشیده در جلو آن هاست . عمارت پشت به آفتاب سکودار است ، و هر طبقه شامل يك سه دری است که از يك طرف به کفش کن و از طرف دیگر به پستویی دو در باز می شود .

میرزا حسن عکاس خوش ذوقی کرده سقفهای ایوان و پنج دری از طرف روبه آفتاب و کفش کن و سه دری با درکهای طبقه دوم از طرف پشت به آفتاب را میدان و جلوه گاه هنر عکاسی خویش نموده ، یعنی سقفها را خانه بندی (۶) کرده و در هر خانه عکسی قاب گرفته ، و همچنین بر روی شیشه درکهای سه دری عکسهای چاپ نموده ، و جالب تر اینکه بر شیشه های رنگین حاشیه درکها اشعاری به خط نسخ پخته و زیبایش نوشته و سپس با ظرافت و زبردستی آنها را حکاکی نموده . راستی که با این همه ذوق و هنر خانه محقر و کاسبکارانه اش را آراسته تر از نگارخانه مانی نموده ، و از طراوت ذوقش چنان خجسته مکانی پیا گشته که خود غرق در تماشایش شده ، و از سر غرور و شادی در اطراف اطاقها و درکها این قصیده سعدی را نوشته :

تمام گشت و مزین شد این خجسته مکان
به فضل و منت پروردگار عالمیان
آری ، چند سال پیش - از آن جایی که سرگرم مطالعه و تحقیق درباره فارس و بخصوص شیراز بودم - این خانه را پیدا کردم ، و چون بیم آن بود که گردش روزگار آن را نابود کند به فرزندان او پیشنهاد کردم که آن را به اداره فرهنگ و هنر بفروشند . آنها پیشنهاد مرا پذیرفتند چون از طرفی میل بودند و در آن خانه جایشان تنگ بود ، و از طرف دیگر نوادگان تحصیل کرده و صاحب جاه آن مرحوم خوش نداشتند پائین شهر زندگی کنند ، بنابراین پس از مدتی آمادگی خود را برای فروش آن به اداره فرهنگ و هنر اعلام کردند . آن هم با قیمتی بسیار ارزان یعنی شانزده هزار تومان ، که متأسفانه پیشنهادشان پذیرفته نشد . من که می دانستم آنها از سر وطن خواهی حاضر شده اند آن را به این ارزانی بفروشند ، و از طرف دیگر خانه ایست در دست خراب شدن چون آنها قصد مهاجرت از آن را دارند ، ناچار آن را به بزرگان و علمائی چون جنابان دکتر سید حسین نصر و ایرج افشار نشان دادم تا برای خرید و نگهداری آن سفارش هائی بنمایند . ایشان که از دیدن آن به شوق آمده بودند ، برای خرید و نگهداری آن توصیه ها و سفارش ها کردند . اما از آن جایی که می گویند : « نامه ای که مراجعه کننده در تمقیبش نیست و سودی هم ندارد بایگانی کن ، در کنج بایگانی ها ماند ، و سفارش و توصیه ایشان هم بجائی نرسید . تا چندی پیش که آن را فروختند ، و عکس و شیشه های رنگینش را بیرون آوردند و برای فروش به اداره فرهنگ و هنر عرضه کردند به بهای عکسی پنج تومان ، که باز هم موافقت به خرید آنها نشد .

اما شنیدنی این است که همان اداره ای که حاضر نشد آن خانه را به شانزده هزار تومان بخرد ، و بعد هم حاضر نشد برای هر عکس پنج تومان بپردازد ، ناگهان تعدادی از آنها را که در سقف ایوان بود و باران خورده و پوسیده بود به دانه ای بیش از صد تومان خریدند چه جای تعجب است ، چون خوبان و پاکان و « هزار بازی از این طرفه تر برانگیزند . »

یادداشتها :

(۱) چند غزل و قصیده او در آخر کتاب قانون سخن چاپ شده من ۱۸۷ تا ۲۰۳ و بعد هم محمد حسین رکن زاده آدمیت چند شعر او را از همین مأخذ گرفته و در تألیفش بنام دانشمندان و سخن سرایان فارس درج کرده ج ۲ ص ۱۷۱ تا ۱۷۴

(۲) این کتاب مشتمل است بر دستور زبان فارسی من ۱ تا ۱۵۹ و خاتمه‌ای بر بیان و بعضی از لغز و معما و منتخبی از اشعار قه‌ماص ۱۵۹ تا ۱۷۹ و پاره‌ای از سخنان پادشاهان و بزرگان من ۱۷۴ تا ۱۷۹ و مختصری در شرح احوال و اشیاء مؤلف من ۱۸۵ تا ۲۰۳ ، و چند نامه از او که به مطبوعات و دوستان و بزرگان نوشته من ۲۰۳ تا ۲۲۳ ، و در جمادی الثانی ۱۳۴۰ (ه . ق) در مطبعه محمدی شیراز به خط نسخ حسینعلی ابن ابوطالب کاتب جهرمی به سرمایه محمد رضا هزارشیرازی به قطع و زیری کوچک به چاپ رسیده .

این کتاب در آن روزگار از جمله کتب درسی بوده ، و به سبک کتب صرف عربی تدوین گشته یعنی کلمه را بر سه نوع تقسیم کرده (اسم ، فعل ، حرف) و در سه فصل به شرح آنها پرداخته ، و در سبب تألیف آن گوید :

« چون در یوم مسعود مولود حضرت ختمی مرتبت (ص) سنه هزار و سیصد و سی و یک هجری ... حضرت حاجی مخبر السلطنه فرمانفرمای فارس ... اطفال مدارس شیراز را برای تشویق و آزمون ... احضار فرمودند ، و هر يك از اطفال با نظام آمده و امتحان داده می‌رفتند ... و الحق بعضی اطفال آنچه خوانده بودند خوب امتحان دادند تا ... حضرت اشرف فرمودند که در علم صرف و نحو عربی و حساب و جغرافیا و غیره آنها خوب امتحان دادند ، خوب است این‌ها را بزبان خودمانی امتحان بدهند ، و به ... طفلی ... فرمودند بنویسید : « منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است » آن طفل معطل و حیران ماند ، مثل این که نمی‌داند و نمی‌فهمد ، معلم هم فهمید که نمی‌داند پیش آمد ، و به عرض ... رساند که ما کتابی که در قواعد زبان فارسی باشد نداریم که به اطفال بیاموزیم . اقل الناس میرزا حسن عکاس که برای انداختن عکس حاضر بودم از شنیدن این سخن نهایت متأسف شدم ، و با خود گفتم که چرا باید این همه کتب متعدد در علم صرف و نحو عربی نوشته شده باشد ... ولی در قواعد زبان ... خودمان يك کتاب هم نوشته نشده باشد که اطفال در مدارس بخوانند و از قانون سخن خود مطلع شوند ، و هنوز از زبان اصلی خود هیچ ندانسته و نفهمیده شروع به صرف و نحو عربی نمایند ... حقیر ... در بیرون در صدد تحصیل چنین کتابی برآمدم ، و هر چه بیشتر جویا شدم کمتر یافتم ... اگر چه شنیدم که در طهران چند جلد کتاب در قانون سخن فارسی نوشته و چاپ شده ... لیکن هنوز به شیراز نرسیده ، بنابر این کمترین با عدم قابلیت و استعداد هر چه در نظر داشته و از بعضی کتب برداشته در این مختصر نگاشته امید است مقبول افتد و مفید بحال اطفال مبتدی شود ... (نقل از ص ۱ تا ۳)

(۳) این بیت از مرثیه‌ای است که شوریده شیرازی در تاریخ فوتش گفته و در من ۱۸۷ قانون سخن چاپ گردیده .

- ۴) با همه جستجویی که کردم نتوانستم کتاب‌هایی که به خط او چاپ شده پیام ، امید است کتابشناسان در شناسائی آنها مرا رهنمون گردند .
- ۵) شجره خود را بر روی شیشه‌ای چنین حک کرده : «میرزا حسن عکاس ابن کربلائی علی ابن حاجی حسین ابن حاجی علی اکبر ابن حاجی عبدالحسین ابن خواجهمحمدعلی کازرونی.»
- ۶) در اصطلاح نجاران خانه بندی کردن به معنی شطرنجی نمودن است .

مجله یغما - از جناب کرامت رعنا حسینی امتنان دارد که این مقاله هنری را تنظیم فرموده‌اند و شرمندهم که همه تصاویر زیبای آن را به طبع رساندن نتوانستیم و نیز شرمندهم که کاغذ کلاسه در دسترس نبود. یعنی چندان گران است که مجله یغما خریدن نمی‌تواند.

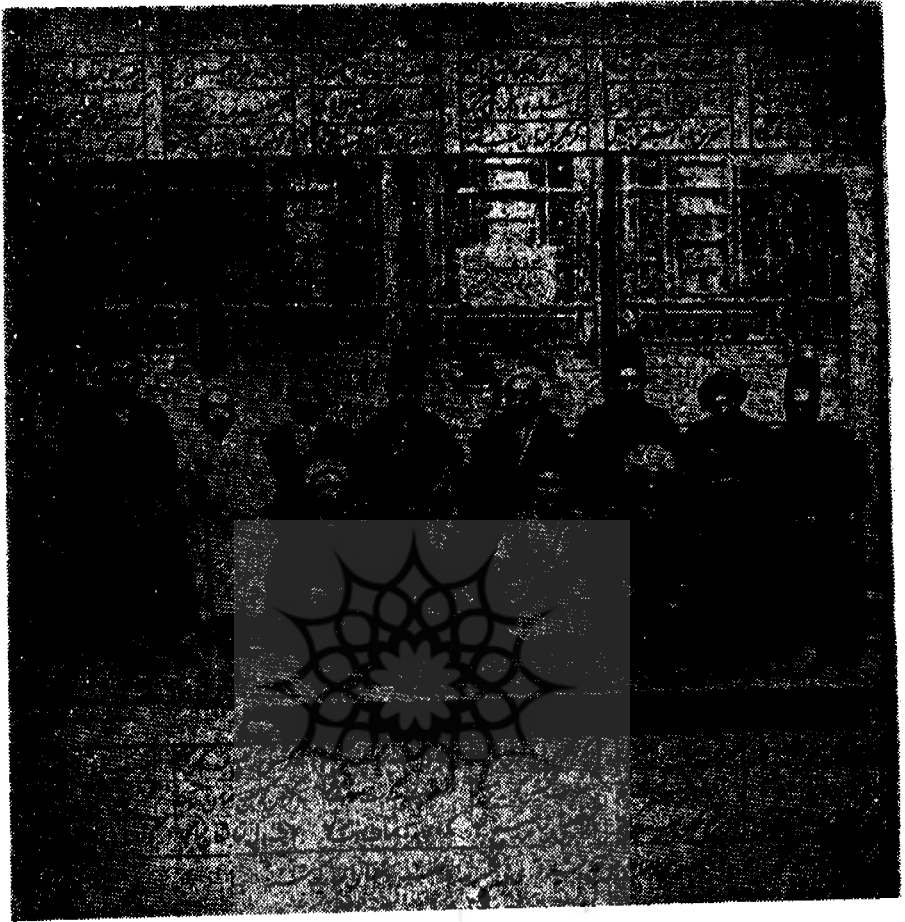
این که فرموده‌اند خانه‌ای ارجمند به شانزده هزار تومان خریداری نشده، من نویسنده را توبیخ می‌کنم که چرا با شرکت ادبای شیراز به خرید آن اقدام نفرموده‌اند. حتماً در خور ملامت و سرزنش هستند ، ملامت و سرزنشی سخت .

سه قطعه از عکس‌هایی که در این‌خانه بوده است در این شماره است و بقیه را به تدریج در مجله ملاحظه خواهید فرمود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

یادآوری

کارها ناتمام خواهی ماند	می‌روی از جهان و آخر کار
از حلال و حرام خواهی ماند	آنچه اندوختی به کوشش ورنج
خود گرفتار دام خواهی ماند	دانه را دیگران خوردند و برند
تا ابد زشت نام خواهی ماند	درسفر جاودان بخواهی سوخت



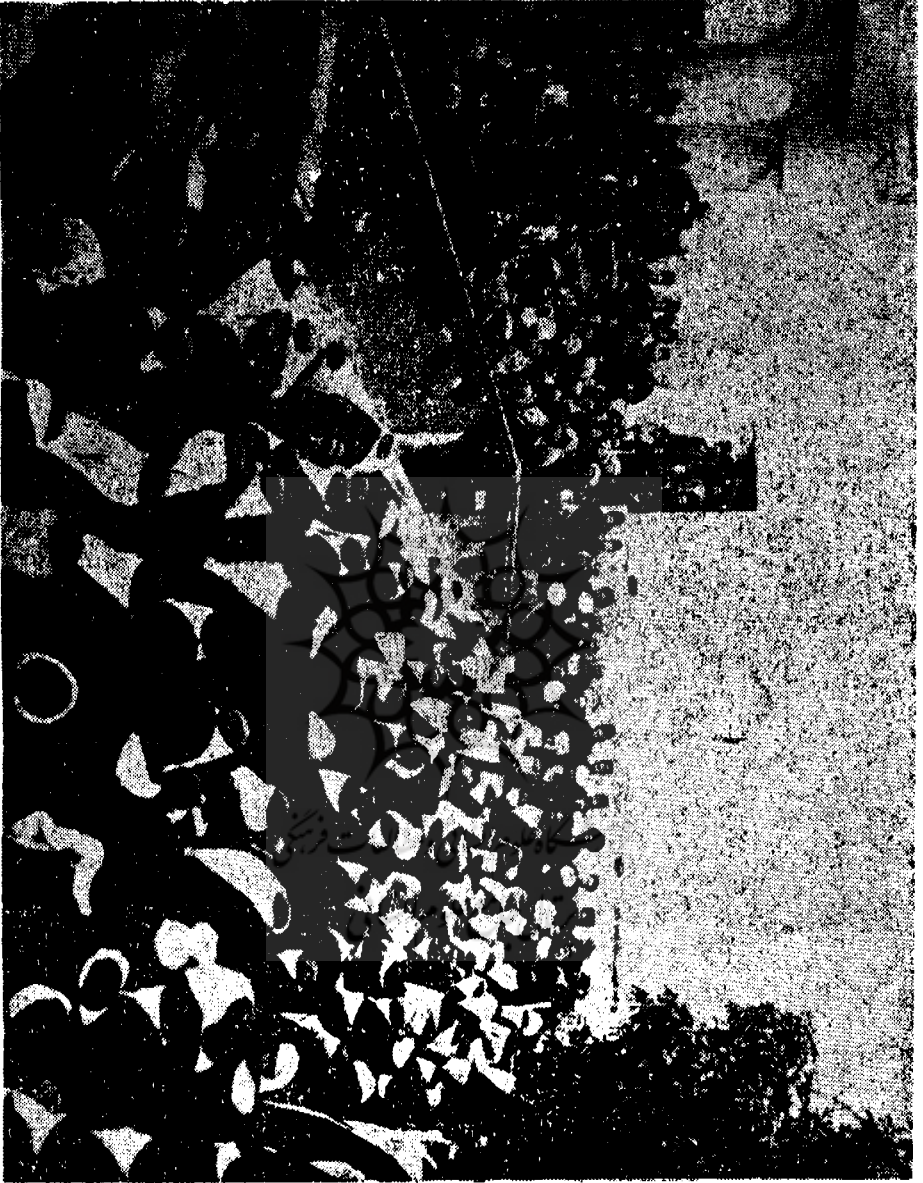
دوازده تن از شاعران شیراز

از راست به چپ صف اول (برصندلی) :

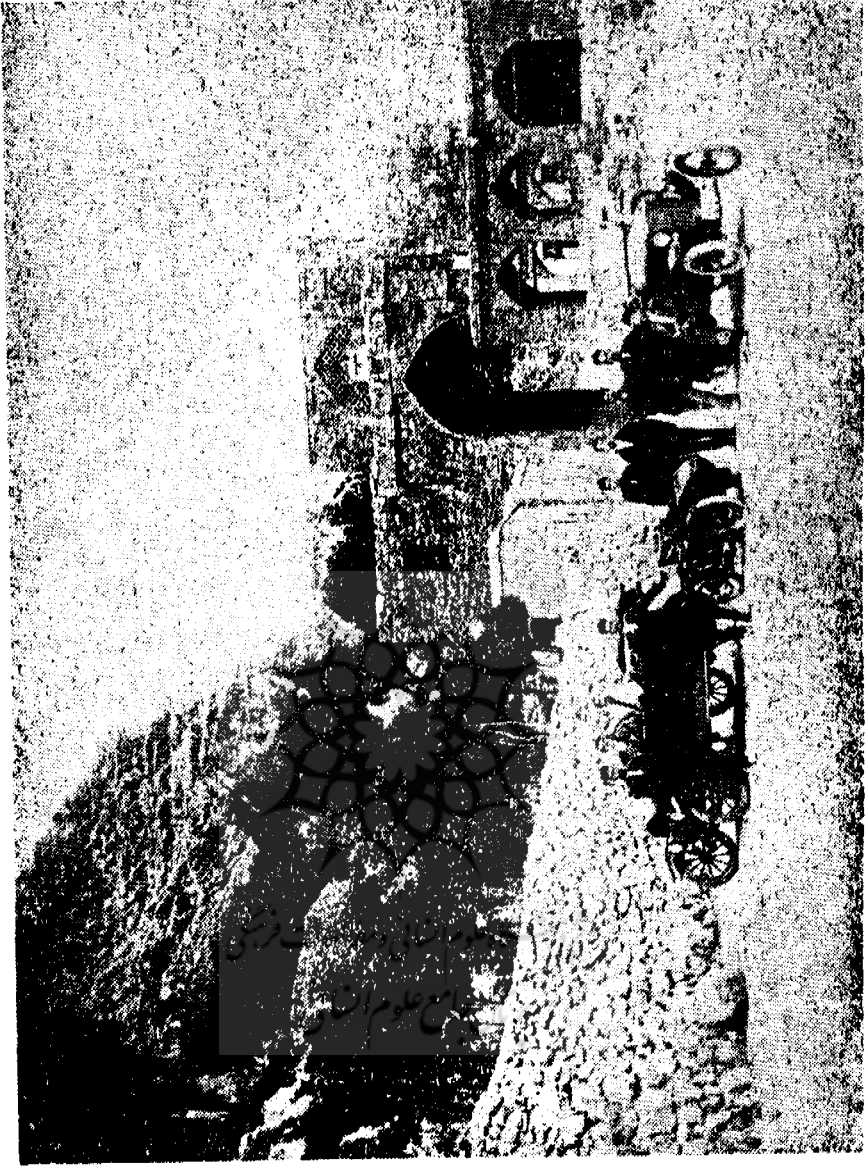
نثار - قدسی - ایزدی - آسوده - فرصت الدوله - صادق - نوا - شعاع الملك .

از راست به چپ صف دوم نشسته :

مظفر - حسن - شیفته - فصیحی . که ظاهراً همگان از جهان رفته اند . رحمة الله عليهم .



مجلس و خط شیخ یحیی امام جمعه شیراز



دروازه قدیم قران با اولین ماشینهای سواری که به شهر شیراز آمده